

بررسی ویژگی اقتصادی و اجتماعی زنان روستایی و سهم آنان در درآمد خانوار مطالعه موردی: زنان روستایی شهرستان دیواندره

محمدصادق علیایی

دانشجوی دکتری تخصصی جغرافیا و برنامه ریزی روستای - دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات تهران

msoliaie@yahoo.com

چکیده

زنان ایران در کنار مسئولیتهای که در نهاد خانواده به عنوان مادر و همسر دارند، نقش مهمی در امور اقتصادی و در نواحی روستای در امور تولیدی ایفاء می نمایند. در این میان سهم و نقش زنان روستایی در فعالیت‌های تولیدی و کشاورزی اعم از کاشت، داشت و برداشت، دامداری و باغداری و... چشمگیرتر است و نقشی که آنها در مسئولیتهای خانواده ایفاء می کنند قابل توجه بوده و شاید بیشتر از زنان شهری باشد.

در این مقاله ویژگی‌های اقتصادی، اجتماعی زنان مناطق روستایی شهرستان دیواندره و سهم آنان در درآمد خانوار باتوجه به ارزش نیروی کار، که آنها در فعالیتهای تولیدی عرضه می کنند، مورد بررسی قرار گرفته است.

این بررسی با روش پیمایشی از تعداد ۱۷۷ خانوار نمونه براساس قواعد نمونه گیری تصادفی که از چهاردهستان انتخاب گردیده. گردآوری اطلاعات با تکنیک پرسشنامه و با مصاحبه حضوری انجام گرفته است.

یافته‌های این پژوهش نشان می دهد که بین متغیر ارزش نیروی کار زنان با سهم آنان در درآمد خانوار همبستگی معناداری وجود دارد.

واژگان کلیدی: زنان روستایی، ویژگی‌های اقتصادی، اجتماعی، سهم زنان و درآمد خانوار

مقدمه

بیش از نیمی از جمعیت کشورهای در حال توسعه، در روستا زندگی می کنند، بدیهی است نقش روستائیان و بویژه زنان روستایی در تحقق اهداف توسعه روستایی انکار ناپذیر می باشد.

به‌رغم توجه سازمان‌های بین‌المللی به نقش زنان در فرایند توسعه و نام‌گذاری سال ۱۹۷۵ به عنوان سال جهانی زن و دهه ۱۹۸۵-۱۹۷۶ به عنوان دهه زنان، توجه به نقش زنان روستایی در فرایند توسعه با محدودیت‌هایی روبرو است.

از آنجا که ماهیت فعالیت زنان در نواحی روستایی و آشکار ساختن سهم آنان در درآمد خانوار و همچنین عواملی که با فعالیتهای آنان مرتبط است هدف مقاله حاضر است.

بیان مسئله

از آنجایی که شکل غالب بهره‌برداری از کشاورزی در بسیاری از روستاهای ایران به صورت خانوادگی است، می‌توان به اهمیت نقش افراد خانواده و بخصوص نقش زنان پی‌برد. چراکه دستیابی به اهداف توسعه روستایی بدون در نظر گرفتن نقش زنان امری دشوار و مشکل است. بطوریکه بر اساس "برآورد جهانی ۴۶ درصد از تولید مواد غذایی و ۶۰ درصد فعالیتهای روستای و همچنین به گزارش توسعه انسانی سال ۱۹۹۵ سازمان ملل از درآمد ۲۳ تریلیون دلار حاصل جهانی کار ثبت شده در سال ۱۹۹۳ حدود ۱۶ تریلیون دلار مربوط به خانه داری و سایر کارهای ثبت نشده نیز در جامعه صورت گرفته است از این حاصل نادیدنی ۱۱ تریلیون دلار آن به زنان اختصاص دارد" (آسایش و همکاران، ۱۳۸۵: ص ۳۳۹ و ۳۴۱). بنابر این زنان روستایی به عنوان یکی از ارکان اساسی واحدهای تولیدی همواره مطرح بوده و در ساختار اقتصادی خانواده نقش مهمی را ایفاء کرده‌اند. بررسی‌های صورت گرفته در بیشتر کشورهای در حال توسعه و تعدادی از کشورهای توسعه یافته، نشان می‌دهد که زنان روستایی در فعالیتهای اقتصادی نسبت به مردان از زمان بیشترکاری و مشقت کاری برخوردار هستند. مثلاً فروک^۱ «در مطالعات خود در زمینه تقسیم کار در تعدادی از مناطق شهری و روستایی بنگلادش نشان داده که زنان ناگزیرند روزانه نزدیک به ۱۰ ساعت تا ۱۳ ساعت صرف کارهای تولیدی کنند. که کار و فعالیت آنها در زمینه تولید بیشتر از نوع کاری است که مرد به عنوان سرپرست خانواده علاقه به انجام آن نشان نمی‌دهد» (قلی زاده و همکاران ۱۳۷۸: ۱۸۶). "در ژاپن مشقت کاری زنان ۷ درصد، اتریش ۱۱ درصد، ایتالیا ۲۸ درصد در مجموع ۱۳ درصد بالاتراز سهم کار مردان است. این نسبت در روستاها به ۲۰ درصد میرسد و یا زنان روستای در کنیا ۳۵ درصد بیشتر از مردان کار می‌کنند" (آسایش و همکاران، ۱۳۸۵: ص ۳۴۲).

تحقیقات صورت گرفته در ارتباط با فعالیتهای زنان در بخش‌های مختلف کشاورزی در «۸۲ کشور در حال توسعه نشانگر این واقعیت است که زنان روستایی در ۵۲ کشور بیش از ۴۰ درصد کار کشاورزی را در مراحل مختلف تولید به عهده دارند. همچنین در ۲۴ کشور نیز بیش از ۵۰ درصد کار مزرعه را در مراحل گوناگون تولید به عهده دارند. این ارقام برحسب مناطق جغرافیایی برای درصد مشارکت زنان در تولیدات کشاورزی، متفاوت است: در مناطق صحرایی افریقا، زنان روستایی ۴۶ درصد شمال آفریقا و خاورمیانه ۳۱ درصد آسیا ۴۵ درصد و نواحی کارائیب ۴۰ درصد از نیروی کار کشاورزی را تشکیل می‌دهند (آگهی، ۱۳۷۸: ص ۱۹۳ و ۱۹۴).

در ایران نیز زنان روستایی همانند سایر کشورها به صورت‌های گوناگون در عرصه‌های کشاورزی و غیرکشاورزی فعال هستند. براساس یک تقسیم کار کلی و پذیرفته شده در کشور ما، معمولاً گفته می‌شود که امور منزل به عهده زنان و فعالیتهای بیرون از خانه به عهده مردان است، ولی متأسفانه این قرار و مدار در نواحی روستایی اعتبار زیادی ندارد زیرا که زن روستایی علاوه بر انجام فعالیتهای موسوم به خانه‌داری، در مزرعه نیز به ایفای نقش می‌پردازد. زن روستایی در بسیاری از امور مربوط به کاشت، داشت و برداشت محصولات مختلف کشاورزی و نگهداری و پرورش دام و طیور و تولید فعالیت می‌کند. و در بسیاری از موارد، نقش سنگین تری نسبت به مردان دارند. اما اغلب از موقعیت پایین‌تر اجتماعی نیز برخوردار بوده و ارزش واقعی کار آنها به عنوان نیروی کار

^۱ . Farouk

کشاورزی به درستی تعریف نمی شود. به مفهومی دیگر آنها نیروی کار نامرئی در اقتصاد کشاورزی هستند، و سهم این نیروی کار تا ۴۰ درصد نیروی کار کشاورزی برآورده شده» (نواب اکبر ۱۳۷۶: ص ۱۸۷).

نوع فعالیت‌های زنان روستایی در مناطق مختلف کشور متفاوت بوده و در نقاط مختلف ایران زنان کشاورز بنا به موقعیت خاص فرهنگی و اجتماعی آن منطقه، ایفای نقش می‌کنند و بر اساس برخی آمارهای غیر رسمی گفته می‌شود زنان «۷۰ درصد فعالیت مربوط به زراعت برنج، ۹۰ درصد فعالیت مربوط به تولید سبزی و صیفی، ۵۰ درصد فعالیت مربوط به زراعت پنبه و دانه‌های روغنی، ۳۰ درصد مربوط به امور برداشت باغها، ۸۰ تا ۱۰۰ درصد فعالیت مربوط به تولید لبنیات را در بیشتر استانها به عهده دارند» (نوروزی و همکاران ۱۳۷۶: ص ۱۴۷ و ۱۴۸).

علاوه بر این که تلاش و فعالیت زنان روستایی در درآمد ملی محاسبه نمی‌گردد «آنان از پاداش توسعه و فعالیت‌هایی که در طول عمرشان انجام داده‌اند نیز چندان بهره‌مند نیستند و در بهترین حالت پس از مرگ شوهر از حقوق مدنی عادلانه‌ای برخوردار نمی‌گردند، نه حقوق بازنشستگی می‌گیرند و نه در دارایی مرد سهم هستند» (مطیع ۱۳۷۶: ص ۱۴۷).

ضرورت تحقیق

مشارکت فزاینده زنان در بازار کار یکی از شاخص‌های توسعه‌یافتگی هر جامعه و نمایانگر افزایش علاقمندی زنان به جنبه‌های گوناگون مشارکت در فعالیت‌های اقتصادی - اجتماعی است.

توجه به این نکته که زنان در کانون اصلی توسعه قرار دارند، دارای اهمیت بسیار است «زیرا آنان اغلب اقتصاد غیرپولی را با پرورش نسل و تدارک نیروی انسانی و مدیریت اجرایی امور خانواده و کشاورزی معیشتی را در کنترل خود دارند. این در حالی است که نقش تولیدی زنان روستایی در امور کشاورزی همواره به صورت‌های پنهان مطرح بوده و کمتر تجلی اقتصادی و اجتماعی یافته است و شاید نامرئی‌ترین مشارکت‌کنندگان در فرآیند اقتصادی باشند» (فنی ۱۳۷۶: ص ۱۱۹). که «بدون در نظر گرفتن و مشارکت و کمک زنان روستایی به عنوان نیروی کار در مزارع، نیل به اهداف توسعه کشاورزی، امری ناممکن است» (نواب اکبر ۱۳۷۶: ص ۱۷۵).

در کتاب «زنان جهان در سالهای ۱۹۹۰-۱۹۷۰» که توسط سازمان ملل تدوین و منتشر شده، این واقعیت منعکس است که چه در کشورهای در حال توسعه و چه در کشورهای توسعه یافته - اعم از فقیر و غنی - تمام اطلاعات موجود نشان‌گر تبعیض علیه زنان است.

پس از گذشت چندین دهه از تمهیداتی که سازمان ملل برای احقاق حقوق زنان اندیشیده، هنوز آنها نتوانسته‌اند نقش خود را در شرایط مساوی ایفاء کنند و از امکانات لازم جهت بالا بردن کمی و کیفی شرایط زندگی خود محروم مانده و در برنامه‌ریزی، حداکثر، از اولویت‌های ثانوی برخوردار هستند. قوانین عموماً به نفع زنان نبوده و آنان از حق داشتن زمین، گرفتن وام، ثبت و عقد قرارداد، دخالت در تصمیم‌گیری‌ها، دسترسی به پست‌های کلیدی محروم‌اند (امیری ۱۳۷۴: ص ۲۲).

پژوهشگران، مدیران و برنامه‌ریزان توسعه، به زنان روستایی و نقش آنها در فرآیند تحول و توسعه روستایی، چندان توجهی نداشته‌اند. «بیشتر زنان روستایی در کشورهای در حال توسعه و کم توسعه یافته به عنوان عناصر

حاشیه‌ای و غیرفعال و غیرموکد برشمرده می‌شوند. زیرا کاری، مولد شمرده می‌شود که در مقابل آن دستمزدی دریافت شود، در حالی که زنان روستایی مزدی در مقابل کارشان دریافت نمی‌دارند. آنان به تدریج از فعالیت‌های توسعه‌ای همچون: گسترش باسوادی، آموزش مهارت‌های نوین، توزیع عادلانه درآمد و ارتباط با بازار کار محروم می‌شوند و در نتیجه به علت دریافت نکردن دستمزد، حقیر، پست و نامنظم به شمار می‌آیند و از سیر طبیعی جریان توسعه باز می‌مانند. که این امر می‌تواند پیامدهای منفی و مخرب پیش‌بینی نشدنی برای کل ساختار جامعه داشته باشد» (قلی‌زاده، ۱۳۷۸: ص ۱۷۲ و ۱۷۳).

نقش فعال زنان روستایی در عرصه تولید و درآمد خانوار در جامعه روستایی انکارناپذیر است، بطوری‌که در کشور ایران نیز «تولیدات جامعه روستایی، حاصل کار ۴/۲ میلیون خانوار است که حدود ۶/۵ میلیون زن روستایی در بخش‌های مختلف کشاورزی مشارکت دارند» (شادی طلب، ۱۳۸۱: ص ۱۹۹ و ۱۹۳).

به این ترتیب می‌توان گفت که فعالیت زنان روستایی در برگیرنده کارهای سختی است که برای محافظت از اعضای خانواده و تنظیم امور مزرعه اهمیت فراوانی دارد. ولی کار سخت آنها از سوی همسر و جامعه مردان نادیده گرفته می‌شود و مطالعات انجام یافته در «۳۰ روستای استان اصفهان نشان می‌دهد ۵۴ درصد از مردان روستایی زنان خود را شاغل بدون دستمزد نیز نام برده‌اند و حتی کارکنان خانوادگی هم به حساب نمی‌آورند، همچنین نزدیک به ۷۷ درصد زنان جامعه مورد بررسی، در ۴۲ روستای استان یزد، که شوهران آنها در بخش کشاورزی شاغل بوده‌اند، زنان علاوه بر مشارکت در بخش کشاورزی در خانه به یک فعالیت اقتصادی درآمدزا (قالی‌بافی) نیز مشغول هستند. در جایی که درآمد خانوارها از فعالیت در بخش کشاورزی تأمین می‌شده بیش از ۵۵ درصد از زنان تأمین کننده بخشی از نیروی کار مورد نیاز در واحد زراعی یا دامی بوده‌اند، و بیش از نیمی از درآمد مستقیم خانوار را بصورت نامرئی تأمین می‌کنند» (شادی طلب، ۱۳۸۱: ص ۲۱۲، ۲۱۴، ۲۲۳).

با اینکه زنان در اکثر جوامع بیش از مردان کار می‌کنند، «در محاسبات اقتصادی یا نقش آنان کم‌رنگ تلقی شده، و یا اصلاً به حساب نمی‌آیند و اجحاف تا چنان حدی رشد یافته که حتی تا چندی پیش تولید زنان در بخش غیررسمی^۱ در آمار جهانی نیز منعکس نمی‌گردد و در مجموع دولت‌مردان، سرمایه‌گذاری بر روی زنان را یا اصولاً لازم ندانسته یا به آن کم بها می‌دهند» (امیری ۱۳۷۴: ص ۲۲ و ۲۳). «متأسفانه تأخر و تحولات فرهنگی و اجتماعی نسبت به تغییرات اقتصادی سبب شده است تا نقش تعیین کننده زنان روستایی در جامعه و در فرآیند توسعه اقتصادی کشور ما، مانند اغلب کشورهای در حال توسعه چندان آشکار نباشد و پوشیده ماندن کار زنان روستایی در تولیدات بخش کشاورزی و اقتصاد جامعه روستایی موجب برخوردار نشدن آنها از نتایج بدست آمده در برنامه‌های توسعه است» (شادی طلب ۱۳۸۱: ص ۱۹۴).

در حالی که فرآیند توسعه ایجاب می‌نماید که نقش مؤثر زنان روستایی در درآمد خانوار بیشتر نمایان شود و به شناسایی راهکارها و تعیین عوامل مرتبط با فعالیت‌های تولیدی زنان کمک نماید.

با توجه به نکات فوق مسئله بررسی ویژگیهای اقتصادی و اجتماعی زنان روستایی و سهم آنان در درآمد خانوار روشن می‌گردد.

^۱ Informa Sector

اهداف تحقیق

- ۱- شناخت جایگاه زنان روستایی در فعالیتهای اقتصادی خانواده، به منظور تعیین موقعیت آنها در نظام تولید و درآمد خانوار.
- ۲- شناخت فعالیتهای گسترده زنان روستایی در بخشهای مختلف کشاورزی، صنایع دستی، دامداری و... در منطقه مورد مطالعه.
- ۳- شناخت و بررسی عوامل مرتبط با فعالیتهای اقتصادی و اجتماعی زنان روستایی و ارتباط آن با درآمد خانوار.
- ۴- شناسای راهکارها و تنگناهای موجود در فعالیت زنان.

سوالات تحقیق

- ۱- زنان روستایی چه سهمی در درآمد خانوار دارند؟
- ۳- ویژگیهای اقتصادی و اجتماعی زنان روستایی، چه رابطه ای با فعالیتهای تولیدی آنان دارد؟

مبانی نظری

ادبیات موضوع نشان می‌دهد که دسترسی به توسعه و بهبود بخشیدن سطح زندگی، همواره یکی از آرزوهای جوامع انسانی بوده و همیشه اندیشه متفکرین مباحث توسعه را به خود معطوف داشته است. در مقیاس عام توسعه فراگرد پیچیده و صورتی از دگرگونی اجتماعی است، که در سطوح جهانی، ملی و منطقه ای و در ابعاد فردی و جمعی، در اشکال اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی قابل تحقق است. فراگردی که در پی تبدیل وضعیت موجود به وضعیتی مطلوب و بهینه است، وضعیتی که در آن اعضای جامعه به منافع ارزشمند معرفت، قدرت، منزلت و ثروت دسترسی بیشتری پیدا کرده و بهبود و ارتقای سطح زندگی، اجتماعی - انسانی و تعالی انسان را بدنبال دارد. چنین فراگردی با ویژگیهای قانونمند بودن، تدریجی بودن، تاریخی بودن، چند بعدی بودن، ناتمام بودن و هزینه بر بودن شناسایی می‌شود» (غفاری ۱۳۷۵: ص ۱) علاوه بر این عنوان شده توسعه «حرکت تاریخی و گذار از یک مرحله تاریخی به مرحله دیگر تعریف کرده‌اند. بعبارت دیگر حرکت جامعه از یک مرحله تاریخی و توفیق آن در ورود همه جانبه به مرحله ای دیگر از تاریخ تلقی شده است. یعنی توسعه به مفهوم علمی آن عبارت است از مرگ تدریجی نظام کهن و تولد و رشد تدریجی نظام تازه از زندگی (عظیمی، ۱۳۷۲: ص ۲۷).

۱- حقوق زنان

در بررسی روند تاریخی توسعه تا پیش از دهه ۱۹۷۰ تصور چنین بوده که فرآیند توسعه بر زنان و مردان بطور یکسان اثر می‌گذارد، درحالی‌که نفوذ سرمایه‌داری منجر به نوسازی شده و باعث نابودی اقتصاد سنتی شده و این امر لطماتی را بر فعالیت اقتصادی زنان وارد کرده و آن را تشدید نموده است. بطوری که بخش مدرن، اکثر فعالیتهای اقتصادی از قبیل صنایع تبدیلی، تولید پوشاک و صنایع کارگاهی را که به مدت طولانی وسیلهٔ امرار معاش زنان بود

قبضه کرده و اکثر کارهای جدید متناسب به مردان اختصاص یافته، و موجب کاهش درآمد زنان شده حتی آنها نمی توانند خود و خانواده‌شان را تأمین نمایند. (خانی ۱۳۷۴:ص ۹۲).

این شکاف و نابرابری منجر به این گردید که از سال ۱۹۷۰ توجه جهانیان و پروژه‌های تحقیقاتی به موضوع زنان معطوف شود و گزارش‌هایی در مورد آگاهی بخشیدن به زنان و نحوه تأثیرگذاری برنامه‌های توسعه به زندگی آنان تدوین شود. (به نقل از کتاب نقش زنان در توسعه انتشارات روشنفکران، ۱۳۷۲: ص ۹۸) در این میان سازمان‌های بین‌المللی و ملی در رابطه با مشارکت زنان در جهت‌گیری اهداف توسعه شروع به فعالیت نمود.

و این سؤال که زنان چگونه در پروژه‌های توسعه داخل شوند، از طرف پژوهشگران و مجریان مطرح گردید. علاوه بر اینها، مجموعه‌ای از وقایع و حوادث بین‌المللی، زمینه را برای حرکت بسوی شناخت لازم زنان و لزوم حمایت از آنان برای مشارکت در فعالیتهای کشاورزی، فرآوری بازاریابی و اقتصاد خانه‌داری فراهم ساخت. رویکرد زن در توسعه^۱ با این بینش که راهبردهای توسعه، علیه زنان عمل کرده و باعث متضرر شدن آنها شده، طرح شد. و به این نتیجه رسید که زنان را باید از طریق استخدام و معرفی به بازار کار وارد فرایند توسعه نمود.

مطالعه درباره نقش زنان در توسعه از چند نظر دارای اهمیت بوده است: یکی اینکه آنها به نوسازی یا نشت به پایین در فرایند توسعه، شتاب داده‌اند. این امر از طریق روشن ساختن اثرات نوسازی بر سیاستگذاری‌های روستایی صورت گرفت. دیگر این که موارد بی‌شماری از مطالعات این واقعیت را روشن کرد، که سیاست‌های توسعه روستایی غالباً به اثرات و اهداف پیش‌بینی شده خود نمی‌رسد و گاهی منجر به اثرات منفی و ناخواسته هم می‌گردد. نقش زنان در توسعه قابل انکار نیست، بطوری که در سال ۱۹۷۹ نمایندگان ۱۴۵ کشور و سازمان بین‌المللی به منظور شرکت در کنفرانس جهانی اصلاحات ارضی و برابر با مردان، در توسعه روستایی مورد تأکید و تصویب قرار گرفت. از آن زمان به بعد، رهیافت فائو در رابطه با نقش زنان در توسعه، بیشتر بر روی نقش آنان در توسعه روستایی و فرآورده‌های کشاورزی متمرکز شد. از آنجایی که موفقیت توسعه روستایی و کشاورزی، مستلزم مشارکت یکسان زنان و مردان است.

«برنامه‌ریزان توسعه در سطوح ملی و بین‌المللی نیازها و علاقه‌های زنان را به جد احساس می‌کنند. آنها در رابطه با اینکه چگونه زنان را در فرایند سیاستگذاری، مشارکت دهند، خود، نیاز به آموزش، حمایت و پشتیبانی از عقایدشان دارند» (خانی ۱۳۷۵:ص ۳۸).

زنان از اولین مراحل کشاورزی، تاکنون در امر زراعت و کشاورزی بسیار فعال بوده‌اند، اما میزان این فعالیت به عوامل گوناگون از قبیل: منطقه جغرافیایی، نوع کار و تکنولوژی، بستگی داشته و دارای شدت و ضعف در دوره‌های گوناگون بوده است. قرن‌هاست که زنان روستایی، بارسنگین فعالیت‌های کشاورزی، دامپروری، صنایع دستی و تولید و تربیت نسل را در کنار امور جاری خانواده به‌عهده دارند (نیک خلق ۱۳۷۹:ص ۱۶۷). «اما همه همه، حکایت از سنگینی فعالیتهای روستای بر دوش کم بنیه و ناتوان زنان روستای دارد. توانهای که هر از چندگاهی می‌شکنند، ولی جوانه‌های آنها تبدیل به اندامهای کم بنیه و نحیف دیگری، برای بر دوش کشیدن این حرکت

^۱ . WID (Women in Development)

تولید می‌گردد. با توجه به این فعالیتها، مشاهده می‌گردد که فعالیت زنان روستای آن چنان در آمارها خودی نشان نمی‌دهد» (مطیعی لنگرودی ، ۱۳۷۴ :ص ۶۷).

تمامی محققین و نظریه‌پردازان برنامه‌ریزی و توسعه، در این که زنان روستایی نیز بایستی مانند مردان به نیروهای توانا مبدال گردند، اتفاق نظر دارند. درحالی‌که آنچه موجب بروز برخی تفاوت‌ها بین عقاید اندیشمندان می‌گردد، چگونگی تجهیز و توانا ساختن زنان است. و در این خصوص ، وجه تمایز موجود، تنها در اولویت بندی عوامل لازم، جهت توانا ساختن زنان مطرح می‌باشد. بطورکلی برنامه‌ریزی‌های یکپارچه توسعه روستایی بعد اجتماعی را، هم سطح با ابعاد اقتصادی در نظر می‌گیرد. این دیدگاه در حال حاضر این عقیده را که هر جزئی، منافع سایر اجزاء را ارتقاء می‌بخشد، برانگیخته است. و جنبه‌های اجتماعی، ابزار مستقیم‌تری جهت دستیابی زنان و کودکان به رفاه بیشتری است که در پی افزایش درآمد خانوار بوجود می‌آید. درعین حال باتوجه به اینکه شکل فعالیت‌ها در نواحی روستایی منطقه مورد مطالعه غالباً بصورت بهره‌برداری خانوادگی صورت می‌گیرد. بخش مهمی از زنان روستایی در قسمت کشاورزی و زیرمجموعه‌های آن فعال هستند. پس بنابه نظر تئودور شانین^۱، زن در اقتصاد خانواده نقش مهمی به‌عهده دارد. او علاوه بر کارهای مربوط به اداره منزل، در بسیاری از امور تولیدی نیز مشارکت دارد. اکثر زنان روستایی در مراحل مختلف کشت چای، برنج، حبوبات، پنبه، سبزیجات و سایر محصولات درآمدساز، نقش مهمی را به‌عهده دارند. معمولاً رسیدگی و نگهداری از احشام خانواده توسط هردو جنس صورت می‌گیرد. پاره‌ای از مطالعات نشان می‌دهد که در صورت مهاجرت رئیس خانواده تمامی امور تولیدی بجز کارهایی که نیاز به تخصص دارند نظیر شخم زدن، از زمره وظایف زنان بشمار می‌رود (ازکیا ، ۱۳۷۸:ص ۱۹۹).

به هر حال امروزه تحقیقات نشان می‌دهد که زنان نقش اساسی در اقتصاد خانوار دارند. زنان روستایی در چهار حوزه زیر فعالیت دارند:

- ۱- امور زراعی و باغی
- ۲- فعالیت‌های مربوط به امور دام و طیور
- ۳- صنایع دستی روستایی
- ۴- خدمات خانه‌داری

۲- میزان مشارکت زنان

در مورد مشارکت می‌توان گفت که ارتباط مثبتی بین مشارکت زنان در کشاورزی و اشتغال غیر کشاورزی مردان بخصوص در درآمد خانوار مشاهده می‌شود به طوری که در بعضی از کشورها مهاجرت مردان به شهرها یا روی آوردن آنها به مشاغل روزمزدی باعث شده است تا آنان در غیاب همسرانشان مسئولیت ۳۰ تا ۴۰ درصد کار خانه، و کشاورزی را به‌عهده بگیرند. این رقم در بعضی از مناطق به ۷۰ درصد می‌رسد (درخشان ۱۳۷۴ : ص ۲۲۷).

۱-۲- موقعیت جغرافیایی

از دیگر عوامل مؤثر در مشارکت زنان به وجود آمدن تقسیم کار موجود، موقعیت جغرافیایی منطقه است که در برخی از نواحی کشور موجب شرکت بیشتر و وسیع‌تر زنان در امور کشاورزی و فعالیت‌های جنبی آن می‌شود.

^۱ . Teudorshanin

مثلاً در منطقه گیلان و مازندران ۵۵ درصد کاشت، ۵۰ درصد داشت، ۲۵ درصد برداشت محصولات کشاورزی بر عهده زنان است (شادی طلب، ۱۳۸۱: ص ۲۰۰) برعکس در برخی از مناطق زنان روستایی به فعالیت دامداری می‌پردازند به عنوان مثال در کرمانشاه، کردستان و ایلام ۲۱ درصد چرا، ۴۶ درصد تغلیف، ۶۳ درصد مراقبت، ۹۳ درصد شیردوشی بر عهده زنان روستایی است (شادی طلب ۱۳۸۱: ص ۲۱۱).

به این ترتیب زنان روستایی در تصمیم‌گیری‌های مراحل مختلف فعالیت تولیدی مشارکت و دخالت دارند.

۲-۲- ضعف آموزش و پایین بودن سطح عمومی تحصیلات

زنان روستایی کشور ما برای اینکه در توسعه نقش کامل خود را ایفاء کنند، به درستی آموزش داده نشده و مهارت لازم را کسب نمی‌کنند. اکثریت آنها فاقد سواد هستند. بر اساس آمارنامه سال ۱۳۷۵ در روستاهای کل کشور فقط ۶۲/۴ درصد زنان بالای شش سال سواد داشتند.

بیسوادی یکی از موانع و تنگناهای اساسی در مسئله مشارکت زنان در اقتصاد روستا محسوب می‌شود. بطور مثال زنان به دلیل بیسوادی قادر به بروز توانائی‌ها و قابلیت‌های خود نیستند. استفاده از دانش فنی بر اثر فقدان تحصیلات برایشان میسر نیست.

۲-۳-۱ رزشگذاری پائین کار زنان روستایی

آنچه از گذشتگان برای ما به عنوان میراث فرهنگی باقی مانده است، آمیزه‌ای از تمدن اسلامی و آموخته‌های فرهنگ ایرانی است. نتایج این آمیختگی تا حدود زیادی فرودستی زنان در مسائل فردی و اجتماعی و زبردستی و فرادستی مردان در عرصه‌های گوناگون حیات اقتصادی - اجتماعی بوده است. این مسائل در جای خود موجب کاهش توانمندی و خود باوری زنان گردیده و زمینه‌های پیشرفت و حضور زنان در عرصه‌های اجتماعی را محدود ساخته است. بدین ترتیب برخی از محدودیت‌ها و موانع مهم مشارکت اجتماعی زنان را می‌توان چنین خلاصه کرد:

۲-۳-۱-۱ جامعه پذیری جنسیتی

در فرایند اجتماعی شدن جنسیتی، در ابتدایی‌ترین مراحل زندگی به کودکان دختر می‌آموزند که با مردان برابر نیستند. بطور مثال در جامعه، تولد پسر هدیه الهی تلقی می‌شود، اما تولد دختر را حکم سرنوشت بحساب می‌آورند و یا در بهترین حالت، آن را موجودی می‌شمارند که می‌تواند در تولید غذا کمک کند و نسل بشر را تداوم بخشد. به کودکان پسر خواستن و گرفتن، دستور دادن و بکار کشیدن، هوس کردن، بدست آوردن و تصمیم یک‌طرفه گرفتن را آموزش می‌دهند. حال آن‌که، کل جامعه یک پارچه و «مثابه یک مرد». واژگان دقیق و گویای مطلب است. دختران از سن سه سالگی باید نقش خود را در زندگی بشناسد. باید خدمت‌گذار و ثمر بخش باشند. دختران حتی از بازی کردن هم محرومند و باید از سن سه سالگی وارد چرخه زندگی و تولید شوند (سانکارا ۱۳۷۷: ص ۵۷)^۱ یا بعضی از «اقوام نسبت به اولاد پسر که پشتوانه پدر و منتقل کننده نسل پدری است علاقه و توجه خاص نشان می‌دهند ولی در قبال دختران این چنین فکر نمی‌کنند و برای آنان بسیار متعصب و حساسند و معتقدند باید آنان نیاز کاری و مالی خانواده را تامین نمایند و قالی و قالیچه ببافند. حتی دختران در میان این اقوام از نظر سطح سواد

^۱. Sankara

در پایین ترین سطح قرار داشته و یا اصلاً سواد ندارند. در ادارات نیز به دلیل رسومات قبیله ای موافق اشتغال آنان نیستند»

(مشیری، ۱۳۸۳:ص ۲۸ و ۱۳۰). اینها از جمله موارد جنسیتی است که در مورد زنان اعمال می گردد.

۲-۳-۲- غلبه فرهنگ دنیا گریزی و آخرت طلبی

فرهنگ دنیا گریزی، این عقیده را در بین مردان ایجاد می کند که از ورود زنان به عرصه های اقتصادی و اجتماعی جلوگیری کنند، و زنان را هم به این باور رسانده که در حصار تنگ و محدود زندگی شان محبوس شوند و به آنچه هستند و هر آنچه دارند قانع باشند (خراسانی به نقل از لهسایی ۱۳۸۰:ص ۱۴)، حتی قوانین ناظر بر خانواده هم دارای پیام تلخ و گزنده است. و اگر خوب واری نشوند به صورت ضد مشارکت عمل می کنند. بطوری که بر اساس قانون مدنی، اشتغال زنان باید با اجازه شوهر باشد و زنان بدون جلب رضایت شوهر نمی توانند در خارج از منزل مشغول کار گردند (کار ۱۳۷۹:ص ۱۶۲ و ۱۶۳).

۲-۳-۳- تسلط فرهنگ مرد محور

شواهدی بسیاری حاکی از این است که فرهنگ، شعر و ادب پارسی عمدتاً، مرد محور و بعضاً ضد زن بوده است. زنان مطرح نمی شوند و اگر هم مطرح شوند یا برای تحقیر است و یا برای رد و حذف (پاک نهاد، به نقل از افسانه کمالی، ۱۳۸۰: ص ۱۶۲ و ۱۶۳).

بطوری که در قالب شعر و ضرب المثل جملات فراوانی در رابطه با تحقیر زنان وجود دارد. خانم بنفشه حجازی در کتاب خود بنام «زیر مقنعه» مفصلاً به این موضوع پرداخته است. به این ترتیب زنان مورد تحقیر قرار گرفته تا بنوعی از مشارکت آنها در عرصه های اجتماعی و اقتصادی کاسته شود (حجازی ۱۳۷۶:ص ۴۳، ۴۲، ۱۲۸).

۲-۳-۴- عدم درک و تصور زنان از خودشان

عدم شناسایی و ارزش ندادن به کار زنان و پایین بودن موقعیت آنها در خانواده بر تصور زنان از خود و کارشان اثر منفی گذاشته است، این تصور نادرست زنان از خود، در برخی از مطالعات مشاهده شده است «بعضی از زنان مکانیک هستند، مسئول بهداشت مزرعه اند، کار خرید و فروش را به عهده دارند ولی به تمام این کارها عنوان «کمک به شوهر» می دهند و نقش اصلی خود را در خانه داری می بینند» (قریشی ۱۳۷۶: ص ۱۶۳).

در تحقیقات صورت گرفته در روستاهای ایران، در بعضی از استان ها «۷۹ درصد از زنان روستایی به یکی از فعالیت های اقتصادی در آمدزا مشغول بوده اند، وقتی از آنها سؤال گردیده که به چه کاری اشتغال دارید ۶۷ درصد آنان، خود را خانه دار معرفی نموده اند» (شادی طلب، ۱۳۷۶: ص ۱۶۳).

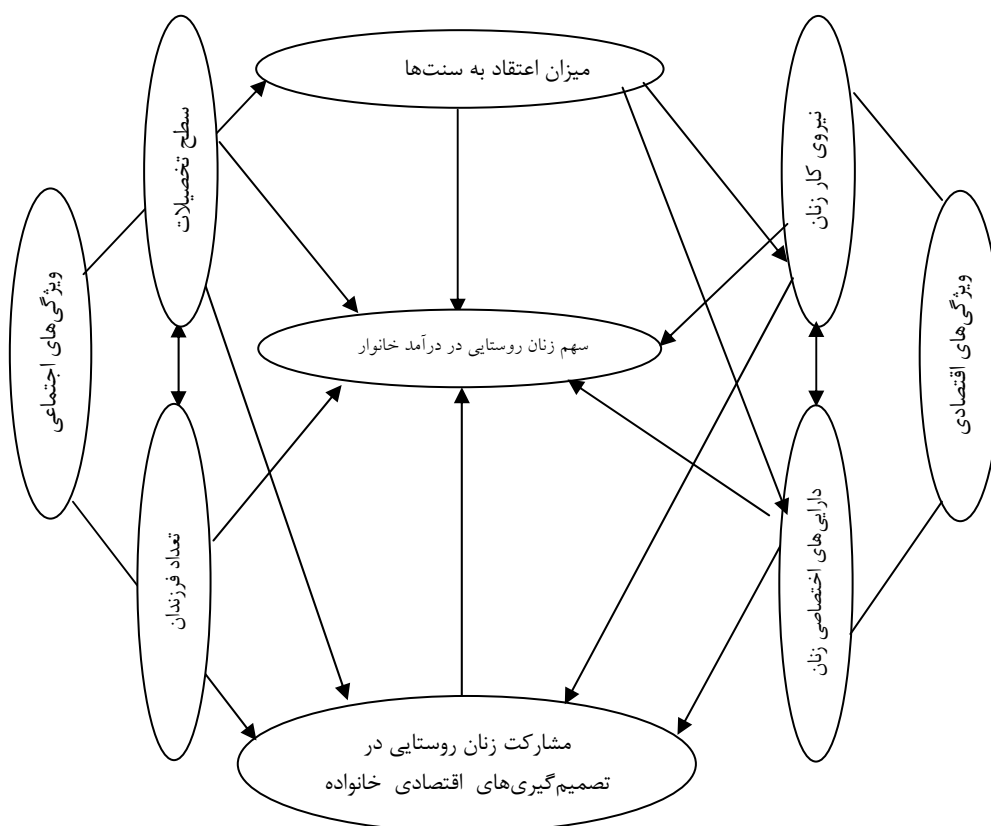
به این ترتیب زنان روستایی اگر چه کار اقتصادی انجام می دهند و در واقع کالایی را تولید می کنند که با فروش آن در بازار برای خانوار کسب درآمد می کنند و یا در واحد زراعی و دامی به تولید محصولات کشاورزی کمک می کنند، ولی باز خود را شاغل نمی دانند و آنچه را که انجام می دهند کار به حساب نمی آورند.

از طرف دیگر هم تسلط فرهنگ مرد سالاری در جامعه روستایی و عدم اتکاء به نفس زنان موجب کاهش حضور آنان در عرصه های اجتماعی و فرهنگی گردیده است.

۳- چارچوب نظری

در تحقیق حاضر، تلاش گردیده با ارائه مدلی، ویژگی های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی زنان روستایی، به عنوان متغیر مستقل و سهم آنان در درآمد خانوار به عنوان متغیر وابسته تبیین و سپس در شبکه روابط علی، همراه با سایر عوامل زمینه ای تاثیر گذار مورد بررسی و سنجش قرار گیرد.

مدل تحلیلی پژوهش



فرضیات

فرضیه‌های این تحقیق بر پایه چارچوب نظری در قالب دوفرضیه بشرح زیر تدوین گردیده است:

- ۱- بین میزان سهم نیروی کار زنان روستایی در واحد بهره‌برداری با سهم آنان در درآمد خانوار رابطه وجود دارد.
- ۲- بین میزان تحصیلات زنان روستایی و سهم آنان در درآمد خانوار رابطه وجود دارد.

روش‌شناسی تحقیق

در این پژوهش از ترکیب روشهای اسنادی و پیمایشی، با تأکید بر پیمایش تحلیلی یا ربطی به‌عنوان متداول‌ترین روش تحقیقات میدانی، همراه با استفاده از تکنیک مصاحبه حضوری مستقیم^۱ و تکمیل پرسشنامه برای شناسایی چگونگی توزیع و سهم روابط متقابل بین متغیرهای موردنظر، استفاده گردیده است.

1-In-Person interviews

جامعه آماری مورد مطالعه زنان روستایی متاهل روستاهای شهرستان دیواندره است که براساس قواعد نمونه‌گیری تصادفی نمونه‌ای به تعداد ۱۷۷ نفر از چهار دهستان (قراوره - چهل چشمه - حسین‌آباد شمالی - اوباتو) به تعداد ۵ روستا انتخاب گردیده است.

تعریف مفاهیم نظری و عملی

دو مفهوم عمده در موضوع تحقیق وجود دارد که عبارتند از:

۱- ویژگی‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی زنان روستایی در این تحقیق شامل: سواد، نیروی کار می باشد.

۲ - سهم زنان در درآمد خانوار

براساس مدارک و واقعیات موجود، زنان روستایی سهم عمده‌ای در فعالیت‌های اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی و تولیدی در کشورهای در حال توسعه دارند و آنان علاوه بر کار در بخش سنتی مانند فروشندگی کالا یا کارگران خدماتی در بخش‌های کشاورزی، دامداری، جمع‌آوری هیزم، نشاءکاری، صنایع دستی فعالیت جدی دارند. «در حالیکه دستمزد زنان برای کارهای مشابه بسیار کمتر از مردان است و در اکثر کشورهای در حال توسعه زنان ۲۵ درصد بیشتر از مردان کار می‌کنند ولی حقوق آنها ۴۰ درصد کمتر از مردان است. به نظر «دنیز کاندیوتی^۱» کار در مقابل دستمزد در بخش رسمی اقتصاد، زمانی به زنان پیشنهاد می‌شود که بخاطر دستمزد کمتر آنان، منافع کارفرما در استخدام زنان مشهود باشد» (انصاری، ۱۳۷۴:ص ۱۲۲).

تعیین حجم نمونه

جامعه آماری (تعداد کل خانوار) برابر با ۳۲۸ خانوار می‌باشد تعیین حجم نمونه با استفاده از فرمول:

$$n = \frac{Z^2 pq}{d^2}$$

به ترتیب زیر محاسبه گردیده است (حجازی و همکاران ۱۳۸۰: ۱۸۷).

$$N = \text{جامعه آماری (۳۲۸ خانوار)}$$

$$n = \text{حجم نمونه (۳۸۴)}$$

$$Z = ۱/۹۶ \text{ میزان اطمینان در سطح } ۹۵\%$$

$$P = \text{وجود صفت برترها } ۵\%$$

$$Q = \text{عدم وجود صفت برتر } ۵\%$$

$$D = ۵\% \text{ میزان خطای احتمالی}$$

$$n' = \text{نمونه تعدیل شده}$$

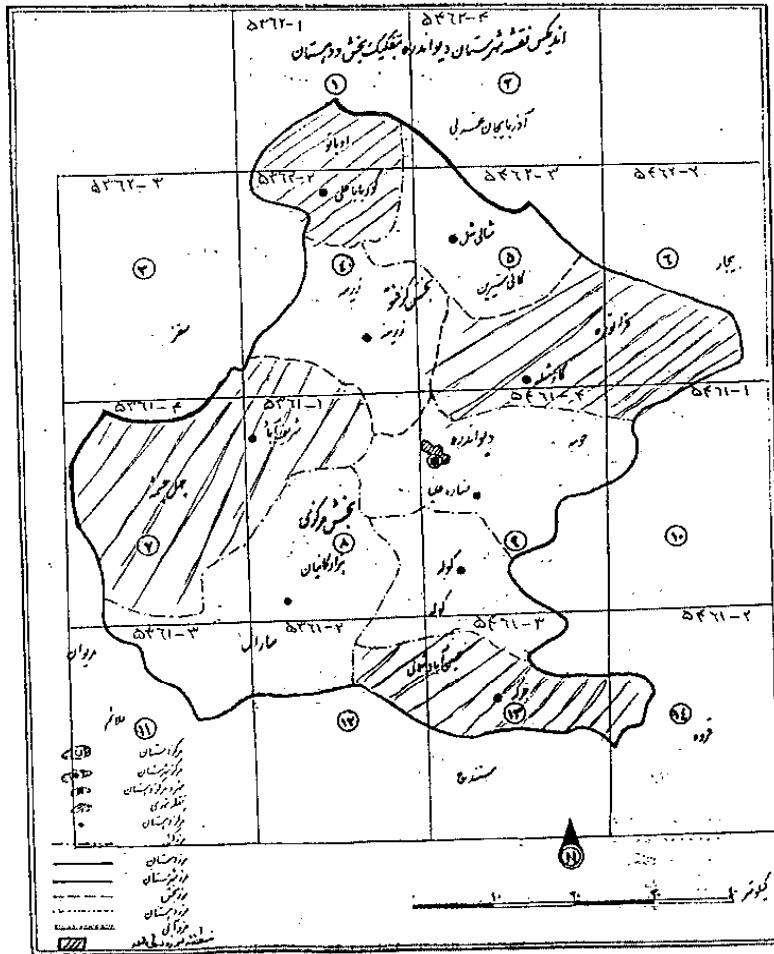
$$n = \frac{(۱/۹۶)^2 \times ۰/۵ \times ۰/۵}{(۰/۰۵)^2} = ۳۸۴$$

از آنجا که نسبت حجم نمونه برآورده شده، به حجم جامعه آماری که برابر با ۳۲۸ خانوار می باشد، بیشتر از ۵ درصد است، بنابراین حجم نمونه را تصحیح کرده و طبق فرمول:

^۱ . Denizkandiyot

$$n' = \frac{n^{\circ}}{1} + \frac{n^{\circ}}{N} \quad n' = \frac{384}{1 + \frac{n}{N}} = \frac{384}{1 + \frac{384}{328}} = \frac{384}{2/17} = 177$$

مجموعاً بعد از محاسبه، تعداد ۱۷۷ نمونه (خانوار) برای تحقیق حاضر در نظر گرفته شده است. - سپس برای توزیع نمونه، بین روستاهایی که مورد تحقیق قرار گرفته‌اند، با برقراری یک تناسب ساده، تعداد نمونه‌ها مشخص گردیده است.



اهم فعالیت‌های زنان روستایی در نمونه‌های مورد مطالعه:

جدول (۱) وضعیت فعالیت زنان روستایی نمونه‌های مورد مطالعه در امور مربوط به زراعت و باغبانی

وضعیت فعالیت			نوع فعالیت	نوع محصول
مشارکت ندارد		مشارکت دارد		
جمع	فراوانی نسبی به درصد	فراوانی نسبی به درصد		
۱۰۰	۱۹/۲	۸۰/۸	درو - بوجاری - خرمکوبی - آماده نمودن خرمن جداکردن کاه از دانه	گندم
۱۰۰	۳۸/۴	۶۱/۶	درو - بوجاری - خرمکوبی - آماده نمودن خرمن جداکردن کاه از دانه	جو
۱۰۰	۱۰/۱	۸۹/۹	برداشت - خرمکوبی - جداکردن کاه از دانه - بوجاری	نخود
۱۰۰	۸۴/۷	۱۵/۳	برداشت - خرمکوبی - جداکردن کاه از دانه - بوجاری	عدس
۱۰۰	۹۰/۴	۹/۶	برداشت - وجین	لوبیا
۱۰۰	۳۹/۵	۶۰/۵	خرد کردن - انبار کردن	نباتات علوفه‌ای یونجه، اسپرس و سایر
۱۰۰	۵۶/۵	۴۳/۵	برداشت سبزی - وجین - آبیاری	سبزی‌کاری
۱۰۰	۵۶/۵	۴۳/۵	برداشت - وجین - آبیاری	صیفی‌کاری
۱۰۰	۷۹	۲۱	میوه‌چینی	باغداری
۱۰۰	۹۰/۴	۹/۶	نشاء کاری - وجین	توتون کاری
۱۰۰	۹۰/۴	۹/۶	برداشت - روغن‌کشی	کنجد
۱۰۰	۹۳	۷	برداشت	آفتابگردان

جدول (۲) وضعیت فعالیت زنان روستایی نمونه‌های مورد مطالعه در امور دام، زنبورداری و طیور

وضعیت فعالیت			نوع فعالیت	واحد فعالیت
مشارکت ندارد		مشارکت دارد		
جمع	فراوانی نسبی به درصد	فراوانی نسبی به درصد		
۱۰۰	۱۷	۸۳	شیردوشی، تغلیف دامها، رسیدگی به بیماریها، جابجایی دام، پرواربندی، تمیز کردن، اصطبل	دامپروری
۱۰۰	۲۳	۷۷	آب ودانه دادن، جوجه‌کشی، رسیدگی به بیماریها، جمع‌آوری تخمها، جابجایی	طیور
۱۰۰	۷۳	۲۷	سرکشی به کندوها، بچه‌گیری، تغذیه، برداشت عسل، تبدیل کندو	زنبورداری

جدول (۳) فعالیت زنان روستایی نمونه‌های مورد مطالعه در صنایع دستی

وضعیت فعالیت			نوع فعالیت
مشارکت ندارد		مشارکت دارد	
جمع	فراوانی نسبی به درصد	فراوانی نسبی به درصد	
۱۰۰	۱۴	۸۶	قالی‌بافی
۱۰۰	۳۴	۶۶	گلیم‌بافی
۱۰۰	۶۸/۴	۳۱/۶	جوراب‌بافی
۱۰۰	۶۶	۳۴	سجاده‌بافی
۱۰۰	۶۸/۴	۳۱/۶	دستکش‌بافی
۱۰۰	۲۶/۶	۷۳/۴	نخ‌ریسی
۱۰۰	۶۳/۳	۳۶/۷	پلاس‌بافی

جدول (۴) توزیع فراوانی زنان روستایی مورد مطالعه
برحسب میزان سهم آنان از درآمد کل خانوار در سال

فراوانی نسبی به درصد	شرح
۱۱/۳	دارای کمتر از ۶۰۰ هزار تومان
۳۰/۵	بین ۶۰۰ تا ۹۰۰ هزار تومان
۵۸/۲	بالاتر از ۹۰۰ هزار تومان
۱۰۰	جمع

جدول (۵) توزیع فراوانی زنان روستایی مورد مطالعه
برحسب میزان و ساعات اشتغال روزانه آنان
در فعالیتهای مربوطه به کشاورزی و صنایع دستی

فراوانی نسبی به درصد	شرح
۲۶	کمتر از ۶ ساعت
۵۴/۲	۶ تا ۸ ساعت
۱۹/۸	بیشتر از ۸ ساعت
۱۰۰	جمع

۵-۲- تجزیه و تحلیل داده‌ها

جدول (۶) تحلیل نتایج مربوط به فرضیه های تحقیق

عنوان فرضیه	درصد همبستگی	رابطه معناداری
نیروی کار زنان با سهم آنان در درآمد خانوار	+۰.۷۵	در سطح ۹۹ درصد
میزان تحصیلات زنان با سهم آنان در درآمد خانوار	-۰.۷۱	در سطح ۹۹ درصد

نتایج معادله رگرسیون

متغیرهای تحقیق به صورت یکجا در قالب معادله رگرسیون چندمتغیره نیز مورد بررسی قرار گرفته‌اند. براساس نتایج به دست آمده از معادله رگرسیون که در جدول (۷) مطرح شده‌اند می‌توان عنوان نمود. با توجه به میزان F و سطح معناداری آن، معادله معناداری می‌باشد که ضریب همبستگی چندگانه برابر با ۸۲ درصد است یعنی همبستگی متغیرهای مستقل، ارزش نیروی کار زنان، میزان تحصیلات با متغیر وابسته تحقیق یعنی سهم زنان روستایی در درآمد خانوار برابر با ۸۲ درصد است و ضریب تعیین محاسبه شده برابر با ۶۷ درصد است که نشان می‌دهد ۶۷ درصد واریانس متغیر وابسته از طریق متغیرهای مستقل مورد تبیین قرار گرفته است.

جدول (۷) نتایج معادله رگرسیون

ضریب همبستگی چندگانه $R = ۰.۸۲$		F مقدار = ۶۳/۲۳
ضریب تعیین $R^2 = ۰.۶۸$		سطح معناداری = ۰/۰۰۰
ضریب تعیین اصلاح شده $R^2 = ۰.۶۷$		مقدار ثابت = ۰/۰۶
متغیرهای مستقل	میزان بتا (استاندارد شده)	معناداری
ارزش نیروی کار زنان	۰/۴۶	۰/۰۰۰
میزان تحصیلات	-۰/۱۷	۰/۰۳۵

نتیجه‌گیری

امروزه توسعه، تنها به معنای افزایش تولیدات کشاورزی، بهبود تغذیه، و در یک کلام، رفاه عمومی و بهبود سطح زندگی روستائیان تلقی نمی‌شود، بلکه توسعه یعنی بکارگیری تجربیات و اندوخته‌های مردم به‌منظور استفاده بهینه از منابع محلی و بارور ساختن آنها برای دستیابی به رفاه اجتماعی است. در این میان نقش زنان روستایی، بعنوان اهرمهای مهم، و نیروهای پیش‌برنده اساسی جامعه روستایی، سالهاست که در توسعه، بعنوان موضوعی بین‌المللی مورد توجه قرار گرفته، و توجه جدی جهانیان را به خود جلب کرده و زمینه‌های لازم را برای توجه هرچه بیشتر به مسائل زنان فراهم آورده است. در سالهای اخیر مسأله اصلی برای سازمانها و مجامع بین‌المللی و بسیاری از حکومتها، مشارکت دادن زنان در توسعه یا به عبارت دیگر دخالت دادن هرچه بیشتر آنها در برنامه‌ها و جریانات اصلی توسعه و جوامع مختلف بوده است.

زنان روستایی به‌عنوان یکی از عناصر نامرئی و نامشهود در اقتصاد کشاورزی، سهم مهمی از کل نیروی انسانی موردنیاز بخش کشاورزی را تشکیل می‌دهند. زیرا آنان ۵۰ درصد جمعیت جهان و حدود ۶۶ درصد کل ساعت کار

(اعم از دستمزد یا بدون دستمزد) و ۵۰ درصد سهم درآمد خانوار را، به صورت مستقیم و غیرمستقیم، به خود اختصاص داده‌اند. ارقام و آماری که در رابطه با میزان فعالیت‌های زنان ارائه می‌شود، بسیار پایین‌تر از حد واقعی است. فعالیت‌های خانه‌داری و کارهای بدون دستمزد آنان منظور نمی‌شود. زنان روستایی وظایف و نقش‌های مختلف و متعددی برعهده دارند: همسر، مادر، تولیدکننده محصولات زراعی، شریک در فعالیت‌های دامداری، دخیل در امر کاشت، داشت، برداشت، فرآوری، بازاریابی و تهیه خوراک و غذا.

زنان روستایی در حین کشت محصولات معیشتی، برای تأمین مواد غذایی موردنیاز خانواده، ممکن است به کشت فرآورده‌های نقدی نیز مبادرت ورزند یا در صورتی که خود فاقد زمین زراعی باشند، صرفاً در مقابل اخذ دستمزد، برای دیگران کار کنند. این زنان را می‌توان در عین حال مروج کشاورزی، کارشناس تولید و یا حتی در پاره‌ای موارد سیاست‌گذار نیز به شمار آورد. جدا از فعالیت‌های زنان در زمینه کشاورزی مشارکت آنان در توسعه روستایی امری بسیار حیاتی و با اهمیت در تأمین مواد غذایی موردنیاز محسوب می‌شود.

فعالیت‌های روزمره زنان در امور کشاورزی، فرآوری، بازاریابی، محصولات و تولید صنایع دستی، همگی شواهدی هستند که دلالت به نیازمندی به وجود زنان در تولیدات روستایی می‌کنند.

شناخت این واقعیت که مشارکت زنان امری ضروری و اجتناب‌ناپذیر است، همیشه منجر به این نمی‌شود که به آنان به عنوان مشارکت‌کنندگان و بهره‌برداران از پروژه‌های توسعه توجه شود. به طوری که دستیابی به منابع تولیدی همچون: زمین، اعتبارات، تکنولوژی مناسب و آموزش، معمولاً به گونه‌ای بوده که مانع شده است، که زنان از تمامی نیروی خود، به نحو شایسته، نتوانند استفاده کنند و نقش خود را به خوبی ایفاء نمایند.

از آنجائی که یافته‌های این مطالعه نشان داده است رابطه مثبتی بین میزان مشارکت زنان روستایی در فعالیت‌های اقتصادی خانواده با درآمد خانوار دارد، اگرچه دیدگاه حاکم بر جامعه روستایی بر این باور است که زنان فاقد هرگونه توانایی و قابلیت جهت اظهارنظر و تصمیم‌گیری درباره امور مختلف هستند، و صرفاً باید به کارهای منزل و پرورش کودکان بپردازند ولی عملاً آنان در کنار شوهران خود در امور تولیدی مشارکت دارند. این تفکر یا به دلیل برخی از سنت‌های حاکم بر جوامع روستایی است و یا به دلیل تعصب مردان است که زنان را در انجام بعضی از برنامه‌ها ناتوان می‌دانند در حالیکه تحقیق حاضر نشان می‌دهد زنان روستایی به هر میزان امکانات و منابع دست یافتند، توانستند، نه تنها جایگاه خود را در خانواده بهبود بخشند، بلکه به اقتصاد خانواده و جامعه نیز کمک نمایند.

به این ترتیب باید پذیرفت که زنان روستایی یکی از عوامل و نیروهای پیش برنده اساسی جامعه روستایی به‌سوی توسعه است، و نقش اساسی آنان چه در مسئولیت‌هایی که در عرصه تولید دارند و چه مسئولیت‌هایی که در منزل دارند قابل اغماض و چشم‌پوشی نیست. درنهایت آنچه از نتیجه این پژوهش حاصل می‌گردد، این است که خانواده در ساختار جامعه روستایی نمی‌تواند یک کانون با محوریت مرد باشد، بلکه دارای دوکانون با محوریت توأمان مرد و زن خانواده است وجود هریک از آنان، چه در مقام تولیدکننده و چه در مقام مدیریت منزل، مکمل یکدیگر است و نادیده گرفتن نقش هریک از آنان خواه در عرصه تولید و مشارکت در تصمیم‌گیری و... مشکلاتی را به‌دنبال دارد. با این وجود توجه به موارد زیرمی‌تواند کمک موثری برای مشارکت آنان در مسائل توسعه روستای گردد:

- ۱- فراهم نمودن تسهیلات برای اعطای وامهای کشاورزی به زنان روستایی فعال در عرصه تولید برای خرید منابع تولید.
- ۲- جلب توجه اقشار مختلف جامعه در مورد جایگاه زنان روستایی در فعالیتهای اقتصاد روستایی و حساس نمودن عموم به موقعیت آنان.
- ۳- انعکاس فعالیت زنان در آمار نامه‌های رسمی کشور
- ۴- برگزاری دوره‌های آموزشی کوتاه مدت و حرفه‌آموزی به زنان روستایی براساس زبان محلی.
- ۵- اصلاح نگرش جنسیتی و تقویت نگرش‌های مثبت و درنهایت اصلاح فرهنگی می‌تواند زمینه را برای بالندگی، توانمندی و ایفای نقش موثرتر زنان در فرایند توسعه فراهم سازد.
- ۶- فراهم نمودن راهکارهای مناسب در مورد تعاونی‌های روستایی و اصلاح تنگناهای موجود بطوری که با فرهنگ حاکم بر روستا و نیز توانایی‌های زنان انطباق بیشتری پیدا کند.

منابع

۱. آسایش، حسین وهمکاران(۱۳۸۵)، مقدمه ای بر اقتصاد روستای ایران انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمانشاه چاپ پنجم
۲. آمار نامه استان کردستان سال (۱۳۷۷)، ناشر سازمان برنامه و بودجه استان کردستان.
۳. آمارنامه کشاورزی سال زراعی (۱۳۷۷-۷۸)، انتشارات اداره کل آمار اطلاعات و وزارت کشاورزی.
۴. آگهی، حسین (۱۳۷۸)، ارزشیابی کار زنان روستایی در کشورهای در حال توسعه، فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه ۲۸ انتشارات وزارت کشاورزی.
۵. ارل بی(۱۳۸۱) روشهای تحقیق در علوم اجتماعی جلد ۱ و ۲ ترجمه رضا فاضل تهران انتشارات سمت.
۶. ازکیا، مصطفی (۱۳۷۴)، مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی توسعه روستایی تهران انتشارات اطلاعات.
۷. ازکیا، مصطفی (۱۳۷۸)، جامعه‌شناسی توسعه و توسعه نیافتگی روستایی ایران تهران انتشارات اطلاعات.
۸. ازکیا، مصطفی، غلامرضا غفاری، (۱۳۸۰)، بررسی روابط بین اعتماد و مشارکت اجتماعی در نواحی روستایی شهر کاشان نامه علوم اجتماعی شماره ۱۷ انتشارات دانشگاه تهران.
۹. امیری، سودابه (۱۳۷۴)، زن محور اساسی توسعه پایدار انسانی، فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه مجموعه مقالات ویژه نامه نقش زنان در کشاورزی انتشارات وزارت کشاورزی
۱۰. انصاری، حمید (۱۳۷۴)، تعاونیهای زنان روستایی ضرورت یا موج فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه ویژه‌نامه زنان در کشاورزی، تهران انتشارات وزارت کشاورزی.
۱۱. اوپنهایم، ا. ان (۱۳۶۹)، طرح پرسشنامه و سنجش نگرشها ترجمه مرضیه کریم‌نیا، مشهد انتشارات آستان قدس.
۱۲. بررسی تطبیقی شاخص‌های اجتماعی و اقتصادی زنان در استان کردستان ناشر سازمان برنامه و بودجه استان کردستان (۱۳۷۵).
۱۳. حجازی، بنفشه (۱۳۷۶)، به زیر مقنعه بررسی جایگاه زن ایرانی از قرن اول هجری، عصر صفوی تهران انتشارات نشر علم.
۱۴. خاکی، غلامرضا (۱۳۷۸)، روش تحقیق با رویکرد پایان نامه نویسی تهران انتشارات مرکز تحقیقات و سیاست علمی کشور.
۱۵. خانی (دادور) فضیله، (۱۳۷۴)، زنان در کانون توسعه جهان سوم مجموعه مقالات دومین و سومین سمینار سیمای زن در جامعه. تهران انتشارات معاونت پژوهشی دانشگاه الزهراء.

۱۶. خانی (دادور)، فضیله (۱۳۷۵) جایگاه و نقش اشتغال زنان در فرآیند توسعه روستایی، مطالعه موردی، استان گیلان پایان نامه رساله دکترا دانشگاه تربیت مدرس.
۱۷. درخشان، حسن (۱۳۷۴)، بررسی نقش زنان روستایی ایران در اقتصاد کشاورزی و موقعیت آنان در برنامه‌های توسعه کشور انتشارات دفتر امور زنان در نهاد ریاست جمهوری مجموعه مقالات زن علم، صنعت و توسعه.
۱۸. زنجانی، حبیب‌الله (۱۳۷۹)، توامندسازی زنان با توجه به ویژگی‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی انتشارات مرکز امور مشارکت زنان ریاست جمهوری.
۱۹. ساروخانی، محمد باقر (۱۳۷۲)، روشهای تحقیق در علوم اجتماعی تهران انتشارات مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
۲۰. سانکارا، توماس (۱۳۷۷) اعتلای زن و انقلاب افریقا ترجمه شهره ایزدی تهران انتشارات نشریه طلایه پرسو.
۲۱. سبکتکین ریزی، قربانعلی (۱۳۷۳)، تبیین رابطه میزان تحصیلات زنان روستایی با میزان مشارکت اجتماعی آنها، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تهران.
۲۲. ستاری، جلال (۱۳۷۵)، سیمای زن در فرهنگ ایران تهران انتشارات نشر مرکز.
۲۳. سرشماری نفوس مسکن (۱۳۷۵)، نتایج تفصیلی استان کردستان شهرستان دیواندره ناشر مرکز آمار ایران.
۲۴. سرشماری نفوس و مسکن (۱۳۷۵)، شناسنامه آبادیهای کشور استان کردستان شهرستان دیواندره ناشر مرکز آمار ایران.
۲۵. شادی طلب. ژاله (۱۳۸۱)، توسعه و چالشهای زنان ایران ناشر نشر قطره.
۲۶. شبکه اینترنت (۲۰۰۳)، ازدواجهای زن به زندر کردستان www.Roshangari.Com
۲۷. غفاری، غلامرضا، (۱۳۷۹)، نقش زنان و توسعه اجتماعی مجله حقوق زنان شماره دهم.
۲۸. فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه نشریه شماره ۳ گردهمایی زنان، مشارکت و کشاورزی ۱۴۰۰ تهران انتشارات وزارت کشاورزی.
۲۹. قلی زاده، آذر (۱۳۷۸)، بررسی علل نادیده گرفتن نقش زنان روستایی در فرایند توسعه کشورهای در حال توسعه، اقتصاد کشاورزی و توسعه شماره ۲۷ انتشارات وزارت کشاورزی.
۳۰. کمالی، افسانه (۱۳۸۰)، رهیافت مشارکت زنان در توسعه، پیش شرطها و موانع فصلنامه پژوهش زنان شماره ۱ تهران انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقات زنان دانشگاه تهران.
۳۱. مشیری، سید رحیم (۱۳۸۳)، جغرافیای کوچ نشینی انتشارات سمت چاپ هفتم.
۳۲. مطیع، ناهید (۱۳۷۶)، زنان خانه‌دار ایرانی در گردونه توسعه فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه نشریه شماره ۳، گردهمایی زنان، مشارکت و کشاورزی ۱۴۰۰، تهران انتشارات وزارت کشاورزی
۳۳. نواب اکبر، فیروزه (۱۳۷۶)، نقش زنان روستایی در دهه گذشته فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه مجموعه مقالات گردهمایی زنان، مشارکت و کشاورزی ۱۴۰۰، انتشارات وزارت کشاورزی، نشریه شماره ۴
۳۴. نوروزی، فرح آرا و پرناز صدیقی (۱۳۷۶)، زنان کلید امنیت غذایی، فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه شماره ۱۹ انتشارات وزارت کشاورزی

35. Douglas. V. Porpora, The role of women in the international division 1989 . Pp. 269_294

36. United Nation the women and development unit planning for women in rural development a source book for The Caribbean, 1985: p.4